

دانشگاه فرهنگیان

فصلنامه علمی تخصصی

پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی

دوره اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۸

فلسفه آموزش مطالعات اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران

علی صادقی^۱

ولی اله نظری^۲

ارسال: ۱۳۹۸/۲/۲۰

پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۳۰

چکیده

رشد و شکوفایی ابعاد وجودی انسان در فرآیند زندگی اجتماعی و تعامل با محیط شکل می‌گیرد. جوامع مختلف برای اداره بهینه امور و تعامل سازنده با یکدیگر و با محیط، نیاز به شناخت محیط پیرامون و نحوه ارتباط و تعاملات انسان با محیط دارند و سعی می‌کنند، این مهم را با فرآیند آموزش‌های مختلف به شهروندان به انجام برسانند. مهمترین مکانیسم موجود در نظام آموزشی برای نیل به این هدف مهم، از طریق «آموزش مطالعات اجتماعی» است؛ چرا که افراد با محیط، ارزش‌ها، فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و فرهنگی و حقوق و مسئولیت‌های خود نسبت به دیگران آشنا می‌شوند.

یافته‌های تحقیق که با روش توصیفی تحلیلی از منابع مختلف کتابخانه‌ای بدست آمده، حاکی از آن است که مکاتب و اندیشه‌های فکری و فلسفی مختلف، برای امور گوناگون از جمله در حوزه علوم، رویکردها و گرایش‌های خاصی را قائل هستند. از این رو معیارهای نظام علمی، اخلاقی و ارزشی خاص خود را دارند. در آموزش موضوعات اساسی حوزه معرفتی و مطالعات اجتماعی یعنی انسان‌شناسی، جهان‌شناسی و ارزش‌شناسی نیز، هر کدام به گونه‌ای متفاوت با محتوا برخورد کرده‌اند و آن را در مبانی علمی، محتوا و روش‌های آموزش مطالعات اجتماعی خود جای داده‌اند. در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور ما بر اساس مکتب فکری و فلسفه اسلامی، اهداف آموزش و آموزش مطالعات اجتماعی در شش ساحت اعتقادی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، زیستی و بدنی، زیبایی‌شناختی و هنری، اقتصادی و حرفه‌ای و علمی و فناوری تعریف و مشخص شده است.

واژگان کلیدی: فلسفه، آموزش، مطالعات اجتماعی، تعلیم و تربیت

^۱. استادیار گروه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، کرج، نویسنده عهده دار مطالب، a.sadeghi@cfu.ac.ir

^۲. استادیار گروه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، کرج، v.vazari@cfu.ac.ir

مقدمه

انسان‌ها از همان آغاز آفرینش، پی بردند که هوش و استعداد و توانمندی‌های نهفته در درون هر فرد، در فرآیند زندگی اجتماعی و ارتباط میان افراد شکل می‌گیرد و شکوفا می‌شود. از این رو، رشد و کمال و شکوفایی ابعاد وجودی انسان نیز تنها در پرتو زندگی اجتماعی و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی امکان‌پذیر است.

از نظر روانشناسی انسان به جهت رفع تمایلات جسمی و روحی و روانی گرایش به زندگی اجتماعی دارد و از نظر جامعه‌شناسی نیز انسان فطرتاً تمایل دارد، به هم‌نوعان خود بیوندد، تا زندگی‌اش نظام یابد. در آموزه‌های تمام ادیان الهی شاهد هستیم که خود را آیینی اجتماعی معرفی کرده و بنیان خود را بر اجتماع نهاده‌اند. بنابراین یکی از مهمترین ابعاد تربیت انسان، بُعد اجتماعی است؛ یعنی تربیت افراد به گونه‌ای که از مهارت‌های اجتماعی، ارتباطی، اقتصادی و زیست محیطی برخوردار باشند.

از سوی دیگر می‌توان گفت، آموزش و تربیت از جمله الزاماتی است که با شروع زندگی اجتماعی در جوامع انسانی شکل گرفته است و امروزه به صورت یکی از ارکان اساسی رشد و توسعه پایدار در جوامع مختلف درآمده است؛ تا جاییکه که اغلب صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اگر نظام آموزش و پرورش به نحو صحیح و مناسبی اجرا شود، می‌توان بر بسیاری از مشکلات فائق آمده، جامعه را به سوی پیشرفت و تعالی در جنبه‌های مختلف (توسعه پایدار) سوق داد.

امروزه جوامع مختلف برای بهبود انجام و اداره بهینه امور و تعامل سازنده با یکدیگر و با محیط، نیاز به شناخت محیط پیرامون و نحوه ارتباط و تعاملات انسان با محیط دارند و سعی می‌کنند، این مهم را با فرآیند آموزش‌های مختلف به شهروندان به انجام برسانند. بنابراین آموزش و پرورش باید دانش‌آموزان را افرادی مطلع نسبت به مسائل گذشته، حال و آینده جامعه و محیط زندگی اعم از طبیعی و اجتماعی، متعهد به ارزش‌ها و علاقه‌مند به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و داشتن روحیه انتقادی و انتقادپذیری تربیت کند.

بدون تردید مهمترین مکانیسم موجود در نظام آموزشی برای نیل به این هدف مهم، از طریق «آموزش مطالعات اجتماعی» است که افراد با محیط، ارزش‌ها، فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و فرهنگی و حقوق و مسئولیت‌های خود نسبت به دیگران آشنا می‌شوند.

امروزه مطالعات اجتماعی یک حوزه مهم یادگیری است که از انسان و تعامل او با محیط‌های گوناگون در طی زمان‌های مختلف (گذشته، حال و آینده) و جنبه‌های گوناگون این تعامل (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی و...) بحث می‌کند و رشته‌های مختلفی چون تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، مردم‌شناسی، حقوق، علوم سیاسی، مطالعات زیست محیطی و نظایر آن را در بر می‌گیرد.

مکاتب و اندیشه‌های فکری مختلفی که به دلایل متعدد در اقصی نقاط جهان شکل گرفته‌اند، هر کدام برای امور گوناگون از جمله در حوزه علوم انسانی و تجربی، رویکردها و گرایش‌های خاصی را قائل هستند و اداره موفق امور را تنها از طریق پیروی از این امور میسر می‌دانند. از این رو و به دلیل آنکه هر مکتب فکری و فلسفی معیارهایی مشمول نظام علمی، اخلاقی و ارزشی خاص خود را دارند، در امر تعلیم و تربیت نیز به گونه متفاوتی با محتوا برخورد کرده‌اند و آن را در مطالعات و مبانی علمی خود از جمله در دانش مطالعات اجتماعی جای داده‌اند.

در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور ما، رویکرد اصلی برنامه مطالعات اجتماعی، «رویکرد فرهنگی - تربیتی» است؛ یعنی تلاش می‌کند زمینه‌های تربیت فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان را در بستر عناصر مثبتی بر رویکرد فطرت‌گرایی انسان فراهم آورد. به عبارت دیگر، تربیت شهروندانی مسئول و متعهد، آگاه و توانمند در زندگی فردی و اجتماعی و پایبند به ارزش‌ها و علاقه‌مند به کشور و هویت فردی و جمعی از اهداف این برنامه درسی است.

در برنامه درسی کشور ما و متأثر از مکتب فلسفی حاکم بر جامعه ایرانی - اسلامی، هدف اصلی روابط انسان در چهار عرصه تعریف می‌گردد: ارتباط انسان با خود، ارتباط با سایر انسان‌ها، ارتباط با عالم خلقت و پدیده‌های آن و ارتباط با خداوند (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). بنابراین در درس مطالعات اجتماعی در کشور ما، دانش آموز ابتدا از خود شروع می‌کند؛ سپس ارتباط وی با اعضای خانواده، مدرسه و اطرافیان مطرح می‌شود. در ادامه دانش‌آموزان از راه یادگیری مفاهیمی چون منابع طبیعی، جهت‌های

جغرافیایی و نظایر آن، آموزش‌های لازم را در زمینه ارتباط با محیطی که در آن زندگی می‌کنند، فرا می‌گیرند و البته تلاش شده است که در همه این روابط به وجود خالق هستی توجه نمایند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، پژوهشی نظری است که با استفاده از اسناد و منابع مختلف کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی سعی کرده است با نگاهی به تاریخچه و ضرورت ایجاد برنامه درسی «مطالعات اجتماعی» در جهان، ضمن بررسی مبانی فلسفی و اهمیت این درس، به اهداف و الزامات آن در سند تحول بنیادین و سند برنامه درسی ملی در کشورمان (ایران) بپردازد تا ضمن بیان اهمیت و ضرورت این درس بتواند به تقویت جایگاه علمی این رشته کمک کند.

پیشینه پژوهش

هر چند شکل‌گیری گستره مفهومی مطالعات اجتماعی را می‌توان به آغاز زندگی اجتماعی انسان نسبت داد، اما مطالعات اجتماعی، عنوان رشته و برنامه درسی نسبتاً جدیدی است که در اغلب نظام‌های آموزشی دنیا مطرح شده است. اصطلاح مطالعات اجتماعی نخستین بار توسط «توماس جسی جونز» در سال ۱۹۱۵ میلادی در مقاله‌ای با عنوان «کارگر جنوبی» در آمریکا به کار گرفته شد. وی در این مقاله، مشکل انطباق و مشارکت سیاه‌پوستان و سرخ‌پوستان را در جامعه آمریکا مطرح کرد. صرف‌نظر از آن که هدف اصلی مقاله جونز مشارکت واقعی سیاهان یا اطاعت آنها از فرماندهان حاکم و جامعه‌پذیری آنها بوده باشد، به هر حال در سال ۱۹۱۶ سرانجام یک حوزه برنامه درسی با عنوان مطالعات اجتماعی که هدف آن آماده کردن افراد جوان به عنوان شهروندانی موثر در جامعه بود، به وجود آمد و از سال ۱۹۲۱ این درس به طور رسمی ایجاد شد (فلاحیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۲).

در کشور ما نیز از ۱۳۷۲ به بعد مباحثی در خصوص در هم تنیده کردن دروس تاریخ، جغرافیا و تعلیمات مدنی دوره ابتدایی، مزایا و محاسن تلفیق و محدودیت‌ها و موانع آن مطرح و در نهایت یکپارچه کردن این دروس مورد تأیید قرار گرفت (شیوه‌نامه راهنمای برنامه درسی مطالعات اجتماعی، سایت گروه درسی مطالعات اجتماعی: <http://socialstudies-dept.talif.sch.ir/>) و بدین ترتیب برنامه درسی

مطالعات اجتماعی در ایران شکل گرفت. از آن زمان تاکنون کتاب‌ها، پژوهش‌ها و مقالات و مکتوبات متعددی در این خصوص نگارش شده است که برخی از مهمترین این موارد به شرح ذیل می‌باشند:

۱- کتاب «آموزش مطالعات اجتماعی» (۱۳۹۱) توسط فلاحيان و همکاران و به همت سازمان برنامه-ریزی و تألیف کتب درسی (آموزش و پرورش) به صورت میان رشته‌ای (تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی) در سال ۱۳۸۶ تألیف شده است. در این کتاب توجه به هوش‌های چندگانه در آموزش و اهمیت بازدیدهای میدانی و روش‌های مختلف تدریس از جمله راهکارهای آموزش موفق جغرافیا معرفی شده است.

۲- گزارش تحقیقاتی «چگونگی تلفیق برنامه‌های تاریخ، جغرافیا و تعلیمات اجتماعی و ارائه اصول و روش‌های مناسب در این خصوص» (۱۳۷۵)، تألیف محمود معافی و حسن ملک، تلاش کرده است، ضمن تأکید بر اراییه درسی مشترک از سه شاخه علمی فوق با عنوان مطالعات اجتماعی برای دانش آموزان مقاطع ابتدایی و راهنمایی (متوسطه اول)، اصول و روش‌های چگونگی بهره‌گیری از تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی را در یک درس مشترک تبیین کند.

۳- مقالات فصلنامه «رشد آموزش جغرافیا» (۱۳۶۴ تاکنون)، از اولین و مهمترین منابعی هستند که علاوه بر یافته‌های علمی در زمینه آموزش جغرافیا، مقالات و تجربیاتی را با عنوان مطالعات اجتماعی و یا در این حوزه به رشته تحریر درآورده و منتشر کرده است.

۴- فصلنامه «رشد آموزش علوم اجتماعی» (۱۳۸۸ تاکنون)، نیز از جمله مهمترین منابعی است که در زمینه مطالعات اجتماعی و تجربیات این رشته نگارش کرده است.

۵- فصلنامه «رشد آموزش تاریخ» (۱۳۸۸ تاکنون)، نیز از جمله مهمترین منابعی است که در زمینه مطالعات اجتماعی و تجربیات این رشته مقالاتی را چاپ و منتشر کرده است. به طور نمونه:

۶- «آموزش مطالعات اجتماعی در جمهوری خلق چین و کره جنوبی» (۱۳۹۳)، نوشته زهره عابدی در فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی شماره ۳۷ منتشر شده است. نویسنده علاوه بر تفاوت‌ها و شباهت‌های برنامه درسی در این دو کشور، نقاط ضعف و قوت مطالعات اجتماعی در این دو کشور را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

۷- «**تربیت سیاسی در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی**» (۱۳۹۳)، نوشته پری مسلمی‌پور و نسرین نیکدل، عنوان مقاله‌ای است که در فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی دوره نوزدهم، زمستان ۱۳۹۵ منتشر شده است. نویسنده اهمیت درس مطالعات اجتماعی در تربیت سیاسی و شهروندی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

۸- «**آموزش جغرافیا در کانادا**» نوشته مجتبی مقصودی (۱۳۹۱)، از جمله مقالات فصلنامه آموزش جغرافیا است که نویسنده ضمن بررسی ساختار نظام آموزشی در کشور کانادا، به هدف از آموزش جغرافیا در دوره ابتدایی و متوسطه (هفتم و هشتم) پرداخته و مهمترین اهداف و رئوس محتوای آموزشی را که در این پایه‌ها که در قالب درس مطالعات اجتماعی تدریس می‌شود، با ذکر راهبردهای اساسی در آموزش بیان نموده است.

۹- «**آموزش جغرافیا (یک رویکرد مفهومی)**»، برای دانش‌آموزان ۱۱ تا ۱۸ سال «نوشته دیوید لامبرت و جان مورگان (۲۰۱۰) یکی از سه کتاب آموزش جغرافیا است که برای دانش‌آموزان ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان نوشته شده است. این کتاب آموزش جغرافیا از سال ۱۹۴۵ تا سال ۲۰۰۹ را به چهار دوره جداگانه تقسیم و مهمترین موضوعات جغرافیایی هر دوره را که در آموزش جغرافیا به عنوان علمی برای زندگی اهمیت داشته است، در کنار روش‌های تدریس و با توجه به مطالعات اجتماعی به تفصیل مورد بحث قرار داده است.

۱۰- «**محورهای ارزشیابی کارآمد و متنوع با تأکید بر درس تاریخ**» (۱۳۹۷)، عنوان مقاله‌ای است که توسط سکینه سلیقه‌دار در فصلنامه رشد آموزش تاریخ شماره ۷۰ منتشر شده است. نویسنده در آن علاوه بر اهمیت ارزشیابی در فضای آموزشی، نقاط ضعف عمده و راهکارهای بهبود آن را در درس مختلف از جمله مطالعات اجتماعی بررسی کرده است.

هر چند کتاب‌ها و مقالات مختلفی در خصوص مطالعات اجتماعی تاکنون نوشته شده است، اما به نظر می‌رسد مقاله‌ای که فلسفه و اهمیت این برنامه درسی را به طور خاص بررسی کرده باشد و ملاحظات اسناد بالادستی جدید نظام تعلیم و تربیت رسمی ما مانند سند برنامه درسی ملی (۱۳۹۰) و سند تحول

بنیادین در آموزش و پرورش را مورد توجه قرار داده باشد، انجام نشده است؛ و از این لحاظ پژوهش حاضر دارای نوآوری بوده و در نوع خود بدیع است.

مطالعات اجتماعی

در خصوص مطالعات اجتماعی، تعاریف مختلفی ارائه شده است که در آنها برخی بیشتر به موضوعات یا روش‌های مورد مطالعه و برخی دیگر به مقاصد و اهداف این برنامه درسی تأکید کرده‌اند. دایره‌المعارف بین‌المللی آموزش و پرورش در جلد دهم، مطالعات اجتماعی را اینگونه تعریف کرده است: «مطالعات اجتماعی، حوزه‌ای از برنامه‌ریزی درسی است که هدف آن آشنا کردن بچه‌ها با محیط اطراف-شان و نیز توسعه ارتباطات انسانی است؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان، شهروندان خوبی تربیت شوند». محتوای این درس از تاریخ، جغرافیا و دیگر علوم اجتماعی استخراج می‌شود (فلاحیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۴). راهنمای برنامه درسی نیوزیلند، مطالعات اجتماعی را «مطالعه سازمان‌یافته و محتوایی تلفیقی می‌داند که از علوم اجتماعی و انسانی حاصل شده است. مطالعات اجتماعی دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا دانش و درک و فهم خود را از ماهیت پویا و متغیر جامعه، کنش متقابل فرهنگ‌ها، جوامع و محیط و چگونگی وقوع این کنش بسط دهند».

در بیانیه پارلمان تعلیم و تربیت استرالیا، در تعریف مطالعات اجتماعی چنین آمده است: «مطالعات اجتماعی درباره انسان‌ها و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، بحث می‌کند. مرکز ثقل اصلی برنامه، بحث درباره انسان به مثابه موجودی معنوی، متفکر، عاطفی و اجتماعی است و اینکه چگونه آنها با یکدیگر و با محیط در سطوح محلی، ملی و جهانی ارتباط برقرار می‌کنند. به علاوه مطالعات اجتماعی مشتمل بر مطالبی درباره گذشته، حال و آینده جوامع است» (فلاحیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۴).

در ایران، در سال ۱۳۷۵ برای نخستین بار شورای برنامه‌ریزی مطالعات اجتماعی، این تعریف را برای مطالعات اجتماعی ارائه داد:

«حوزه‌ای که درباره انسان و تعامل او با محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، طبیعی و تحولات زندگی بشر در گذشته، حال و آینده و جنبه‌های گوناگون آن (سیاسی و اقتصادی، فرهنگی و محیطی) بحث می‌کند» (<http://socialstudies-dept.talif.sch.ir>).

نکته مشترک و قابل تأمل در همه این تعاریف، تعاملات مختلف انسان‌ها با یکدیگر و با پدیده‌های مختلف و تحولات زندگی بشر است که تحت تأثیر این عوامل شکل می‌گیرند.

هدف‌های کلی آموزش مطالعات اجتماعی

الف) قلمروشناختی:

- نیازها، علاقه‌ها، استعدادها و توانایی‌های خود و دیگران؛
- نحوه زندگی در خانواده، همسایگی و اجتماعات (محلّه، روستا، شهر، استان، ناحیه و کشور)؛
- نیازهای خانواده و چگونگی تأمین آن‌ها؛
- رابطه متقابل انسان و محیط؛
- محیط طبیعی و پدیده‌های جغرافیایی؛
- وابستگی افراد و مکان‌ها به یکدیگر؛
- جابجایی و ارتباطات؛
- کارکردهای اساسی مسجد، مدرسه و برخی از نهادهای مهم؛
- مفهوم تغییر در جوامع، طبیعت و علل آن؛
- بهداشت و ایمنی (اجتماعی - محیطی)؛
- نحوه گذران اوقات فراغت؛
- منابع، بهره‌برداری و توسعه پایدار؛
- تولید، مبادله، مصرف؛
- جمعیت، مشاغل، محصولات و توانایی‌های محیط زندگی؛
- آداب و رسوم؛
- آثار باستانی و بناهای تاریخی مهم؛
- شخصیت‌های مهم دینی، ملی و علمی؛
- رویدادهای مهم تاریخی ایران؛

- مشترکات ملی (سرزمین مشترک، دین و آداب و رسوم مشترک، زبان و خط مشترک، پرچم مشترک و سرود ملی)؛
- مقایسه نواحی جغرافیایی ایران با برخی از نواحی دیگر؛
- کشورهای همسایه و فرهنگ ملل؛
- دنیای کار و حرفه‌های متعدد؛
- استفاده و سوء استفاده انسان از زمین؛
- نظام حکومتی در کشورها و درک مناسبات دوجانبه دولت و مردم.

ب) قلمرو نگرشی:

- احترام به ارزش‌های اسلامی؛
- احترام به خانواده و قدردانی از اعضای آن؛
- احساس قدردانی نسبت به افراد و مؤسساتی که در تأمین نیازهای انسان مشارکت دارند؛
- احترام به همسایگان؛
- اهمیت دادن به روابط اجتماعی با دیگران؛
- احترام به قوانین و مقررات اجتماعی؛
- علاقه‌مندی به شخصیت‌های دینی، ملی و علمی؛
- علاقه‌مندی به حفظ میراث فرهنگی؛
- ارزش‌گذاری بر منابع طبیعی و انواع انرژی؛
- داشتن روحیه صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف؛
- اهمیت دادن به بهداشت فردی و اجتماعی؛
- احساس مسئولیت در برابر آلودگی‌های زیست محیطی؛
- علاقه به بهره‌گیری صحیح از اوقات فراغت؛
- احساس مسئولیت در برابر جامعه و سرنوشت کشور؛
- قدردانی از شهدا و افرادی که برای سعادت مردم تلاش می‌کنند؛

- علاقه‌مندی به مطالعه، تحقیق و تفحص.

ج) قلمرو مهارتی:

- کسب مهارت‌های فرآیند تفکر نظیر گردآوری اطلاعات، استفاده از منابع، دسته‌بندی کردن، مقایسه کردن و نتیجه‌گیری؛
- توانایی برقراری ارتباط با دیگران؛
- شرکت در بحث‌های گروهی و مشارکت در عقیده و تجربیات دیگران؛
- توانایی نوشتن نامه و تهیه گزارش؛
- تجسم زندگی در زمان‌ها و مکان‌های دیگر؛
- توانایی ترسیم نقشه‌های ساده، طراحی جدول و نمودار؛
- توانایی تصمیم‌گیری و برخورد عاقلانه هنگام مواجه شدن با خطر (دائی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۳).

فلسفه پیدایش مطالعات اجتماعی

مطالعات اجتماعی دانشی است که از انسان و روابط او با محیط‌های اجتماعی، فرهنگی و طبیعی تحولات زندگی بشر در گذشته، حال و آینده و جنبه‌های گوناگون آن (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی) بحث می‌کند. چنین تعریفی از مطالعات اجتماعی حاکی از آن است که انسان به عنوان موجودی اجتماعی برای بقا، ادامه حیات و رشد و تکامل مادی و معنوی خود ناگزیر به ارتباط با سایر انسان‌ها، ارتباط با موجودات و مخلوقات عالم و همچنین نگرش فلسفی و عقلی به خالق این موجودات است. بنابراین دانش مطالعات اجتماعی اولاً با علوم هفتگانه اجتماعی یعنی تاریخ، جغرافیا، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و روانشناسی و همچنین با علمی مانند اخلاق، فیزیک و عرفان قرابت و ارتباط دارد. ثانیاً به ارتباط بین علوم اجتماعی با سایر علوم برای رسیدن به فهمی وسیع‌تر اشاره می‌کند.

برنامه‌های درسی مطالعات اجتماعی، علاوه بر ارائه یک سلسله اطلاعات و حقایق درباره محیط زندگی انسان‌ها و پدیده‌های واقع در آن از جمله مناسبات مختلف انسانی، می‌تواند به فهم حوادث مختلف تاریخی، فرهنگی، فرآیندهای علمی و سیاسی، ارتباط فضایی پدیده‌ها و برنامه‌ریزی‌های صحیح کمک کند. بعلاوه دانش‌آموزان

را برای کسب مهارت‌های تصمیم‌گیری و برخورد صحیح با یکدیگر و با محیط، آماده و آشنا سازد. ارضای حس کنجکاوی، شکل‌گیری رفتارهای عاقلانه در برنامه‌ریزی‌ها، تقویت تفاهم‌های داخلی و بین‌المللی و به طور خلاصه تربیت شهروند آگاه، مسئول و متعهد از جمله اهداف کلی آموزش مطالعات اجتماعی است. از این رو شاهد هستیم که مطالعات اجتماعی در اغلب کشورها به شیوه کم و بیش در هم تنیده و با زبانی ساده، متناسب با سطح رشد ادراکی کودکان و نوجوانان ارائه می‌شود، تا اساسی‌ترین موضوعات معرفتی و مطالعات اجتماعی بشری یعنی انسان‌شناسی، جهان‌شناسی و ارزش‌شناسی را معرفی کرده، به تبیین اهمیت و جایگاه آن در جهان آفرینش بپردازد. چرا که در سال‌ها و دهه‌های آینده، فراگیران امروزمین (دانش‌آموزان کنونی) باید به عنوان شهروندان مسئول در ارتباط با مسائل پیچیده و اساسی که از اهمیت زیست محیطی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برخوردار هستند، عمل کنند (2: Reinferd & Hertig, 2012).

الف) انسان‌شناسی

محور اصلی این حوزه، چرایی و چگونگی وجود و تربیت انسان در فرهنگ‌های مختلف است. متخصصان این حوزه معرفتی به مطالعه منظم درباره انسان و پیدایش و سرانجام وجود او در زمین می‌پردازند. از سوی دیگر با توجه به فطرت جمع‌گرایی انسان و اینکه بدون ارتباط انسان‌ها با یکدیگر ادامه بقا و تکامل او امکان‌پذیر نیست، بنابراین انسان‌ها امروزه در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر زندگی می‌کنند و این ارتباطات به گونه‌ای فاصله‌های مکانی و زمانی را در نوردیده است که از دنیا به عنوان دهکده جهانی ذکر می‌شود و انسان‌ها باید قادر باشند که روابط مناسبی با یکدیگر برقرار نمایند.

از آن جا که دیدگاه‌های دینی و فلسفی در باب ماهیت، چگونگی و کمال انسان بر تعلیم و تربیت اثر دارد، مطالعه اصول و مفروضات انسان‌شناختی هر یک از مکاتب و ارتباط آن با نظام آموزشی، مورد علاقه انسان‌شناسان تربیتی بوده و هست (کرمعلیان و همکار، ۱۳۹۳: ۶۲). بنابراین پاسخ به سؤالاتی درباره کلیت وجودی انسان، به عنوان سؤالاتی فلسفی، تعیین‌کننده چارچوب کلی نگرش به انسان و پیش‌درآمدی بر بسیاری از مطالعات و بررسی‌های مربوط به او است. همچنین سؤالاتی که جنبه‌های خاص و جزئی‌تر درباره انسان را شامل می‌شود، بیشتر در حوزه علوم تجربی و انسانی مطرح می‌شوند و

به مدد تجربه و آزمایش و بررسی‌های میدانی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در این رابطه می‌تواند سه رویکرد «علمی، فلسفی و دینی» مطرح گردد.

از این رو در مطالعات اجتماعی، از منظر دو رویکرد می‌توان به انسان نگریست: در رویکرد اول انسان آن طور که هست، مورد توجه قرار می‌گیرد. در این رویکرد سؤالاتی از قبیل: چه صفات و انگیزه‌هایی در وجود انسان نهفته است؟ چه واکنش‌ها، غرایز و فطریاتی دارد؟ دارای چه سرشت و طبیعتی است؟ ساختمان وجودی او چگونه است؟ و ... مطرح می‌شود.

در رویکرد دوم، انسان آن طور که باید باشد، مورد بحث قرار می‌گیرد. سؤالاتی از قبیل: مفهوم کمال، کمال‌پذیری، کمال‌نهایی انسان و چگونگی رسیدن به آن مطرح می‌شود و بدین‌سان چشم‌انداز متفاوتی از سیمای انسان به نمایش می‌گذارد. در این رویکرد فعالیت‌های آرمانی و عقیدتی به عنوان یک بُعد اساسی در مقابل بُعد طبیعی محض انسان تلقی می‌شود. بنابراین در هر نظام تعلیم و تربیت و بسته به نگرش‌های علمی، فلسفی و دینی، شناختی متفاوت و متمایز از سایر دیدگاه‌ها به ویژه برای رسیدن به سعادت و کمال مطرح می‌شود.

ب) جهان‌شناسی

طرفداران این نظریه به دنبال پاسخگویی به سؤالاتی اساسی در خصوص پیدایش، بقا و تکامل و احتمالاً فنای جهان هستند. به طور قطع اندیشه‌های فلسفی مختلف، پاسخ‌های متفاوتی برای این سوال ارائه می‌کنند. به طور مثال تنها به نگرش اسلامی در خصوص خلقت جهان بسنده می‌کنیم:

در سوره فصلت خلقت آسمان و زمین اینگونه بیان شده است: (خلق الأرض فی یومین). در تفسیر این آیه گفته شده است: «خدا زمین را در دو روز (دو دوره) به گونه‌ای خلقت فرموده که مناسب برای سکونت و زندگی انسان و حیوانات دیگر باشد و فاصله بین زمین و خورشید، به گونه‌ای است که حرارت زمین به میزان معتدلی است، نه بسیار سرد است که سبب انجماد همه موجودات شود و نه بسیار گرم که سکونت در آن غیرقابل تحمل باشد. زمین را هوا فرا گرفت که انسان، حیوانات و نباتات بتوانند تنفس کنند. گردش زمین به دور خود و خورشید به سرعتی است که شب و روز متعادل و فصول مختلفی به وجود آمده که فقدان هر کدام کافی است که قسمتی از زندگی مختل شود (طیب، ۱۳۷۸: ۴۵۰).

یا در مورد پایان جهان در اندیشه اسلامی می توان به موارد بسیاری اشاره کرد. از جمله اینکه بر اساس نگرش اسلامی، پایان جهان مشخص نیست. شاید بتوان گفت، نامعلوم بودن زمان و کیفیت وقوع قیامت و پایان جهان، دارای اثر تربیتی است. زیرا در صورت معلوم بودن آن، چنانچه زمانش دور باشد، غفلت همگان را فرا می گیرد و اگر نزدیک باشد، پرهیز از بدی ها به شکل اضطرار و دور از آزادی و اختیار در می آید.

«وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ، قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ، فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ» (سوره ملک، آیه ۲۵-۲۷)؛ «و می گویند: اگر راست می گویند: این وعده کی خواهد بود؟» بگو: «علم [آن] فقط پیش خداست و من صرفاً هشدار دهنده ای آشکارم.» و آن گاه که آن [لحظه موعود] را نزدیک ببیند، چهره های کسانی که کافر شده اند در هم رود، و گفته شود: «این است، همان چیزی که آن را فرا می خواندید».

از این عبارت نتیجه می شود که مطالعات اجتماعی به عنوان یک دانش ترکیبی که خود متأثر از اندیشه های فلسفی و نگرشی به جهان می باشد، درباره آن یافته های متفاوتی را ارائه می کند؛ بنابراین در تعلیم و تربیت نیز با ابزار و روش های متناسب به دنبال پاسخگویی به سوالاتی در مورد جهان شناسی متناسب با اندیشه های خود می باشد. (هر اندیشه فلسفی و مکتب نظری، شیوه خاص خود را در مطالعات اجتماعی بر می گزیند).

ج) ارزش شناسی

ارزش شناسی به عنوان یکی از مسائل اساسی فلسفه، نوعی نظریه پردازی مربوط به ارزش است که به بررسی مسائل پیرامون ماهیت ارزش، منبع ارزش، ملاک و معیار ارزش می پردازد. کار فلسفه، به ویژه فلسفه تعلیم و تربیت، تعیین ارزش هاست؛ چراکه ارزش ها تعیین کننده هدف، و هدف ها به نوبه خود مشخص کننده روش ها و مسائل آموزشی و پرورشی اند (شمشیری و جوادی نیکو، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

موضوع ارزش ها و ارزش شناسی، از روزگاران قدیم از جمله مسائل و بحث های مهم فلسفی بوده است. به طور مثال، از جنبه فلسفی، این موضوع در یونان باستان مورد بررسی فلسفی قرار گرفته و کسانی چون سقراط، سوفسطاییان، افلاطون و ارسطو در این باره به تفصیل سخن گفته اند.

آدام اسمیت با تقسیم ارزش‌ها به دو نوع و ضرورت برخی از مباحث اقتصادی که نهایتاً به میزان مطلوبیت و ارزشمندی یک کالا در نظر مصرف‌کننده ختم می‌شد؛ زمینه مساعدی برای توجه به ارزش‌ها به عنوان دسته‌ای از مفاهیم که در زندگی آدمی کاربرد و معنی خاص دارند، به وجود آورد (خرم‌آبادی و همکار، ۱۳۹۴: ۱۳۷). گسترش این حوزه وسیع ارزش‌شناسی و اهمیت و نوع موضوع آن که از سوی فیلسوفان عصر شناخته شد، سبب ورود این رشته به روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم انسانی و حتی مباحث معمولی شد.

مبحث ارزش‌شناسی، در حال حاضر در اروپا و آمریکا از دیدگاه‌ها و مکاتب مختلف فلسفی و روانشناسی مورد بررسی و نظریه‌پردازی است (جمشیدی، ۱۳۶۸: ۳۹۳). از سوی دیگر مبحث ارزش‌ها یکی از مباحث آموزش و پرورش است. زیرا یکی از کارکردهای آموزش و پرورش انتقال ارزش‌های نظام جامعه است.

با توجه به تعاملات پیچیده و گسترده انسانی در عصر حاضر، یکی از کارهای «فلسفه در عصر ما بررسی ارزش‌ها یا آنچه در یک اجتماع یا اجتماعات انسانی با ارزش تلقی می‌شود، است. آنچه در زمینه گسترش میراث فرهنگی، در بهبود روابط انسانی و تحکیم حقوق و آزادی‌های فردی و حفظ آرمان‌های بشری با تلاش فیلسوفان و دانشمندان مشخص و روشن گردد، پایه و اساس ارزش‌ها را تشکیل می‌دهد (خرم‌آبادی و همکار، ۱۳۹۴: ۱۳۶).

ارزش‌ها نیز، بر اینکه چگونه باید مسائل مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی را که متأثر از شرایط طبیعی و انسانی هستند، حل کنیم، اثرگذار هستند. (آنها) همچنین بر اینکه چگونه رفتار مردم و جوامع، آنها را قادر می‌سازد تصمیم‌های صحیحی در مورد استفاده از محیط‌هایشان بگیرند؛ تأثیرگذار هستند (Gerber, 2015: 3).

پس از آنجایی که هر مکتب فکری و فلسفی معیارهایی مشمول نظام ارزشی خاص خود را دارند، مکاتب مختلف فلسفی در امر تعلیم و تربیت به گونه‌های متفاوتی با محتوا برخورد کرده‌اند و آن را در مطالعات و مبانی علمی خود از جمله در دانش مطالعات اجتماعی جای داده‌اند.

اما به طور قطع، تقویت روح هنری و تحکیم شخصیت اخلاقی، هدف و اساس تمام نظام‌های تعلیم و تربیت تلقی می‌شود. بدون تردید ارزش‌ها، مخصوصاً ارزش‌های اخلاقی رکن اساسی زندگی آدمی را تشکیل می‌دهند... غفلت در پرورش اخلاقی موجب پیدایش افرادی قانون‌گریز، متعصب، خودخواه و بی‌اعتنا به روابط انسانی می‌گردد» (شریعتمداری، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

فلسفه آموزش مطالعات اجتماعی در تعلیم و تربیت رسمی

علوم انسانی شامل علوم مختلف و متعددی می‌شود که یکی از آنها، «مطالعات اجتماعی» است. مطالعات اجتماعی در واقع حوزه معرفتی جدیدی است که از تلفیق حوزه‌های درسی تاریخ، جغرافیا، مدنی، اقتصاد و جامعه‌شناسی حاصل می‌شود و در ایران سابقه چندانی ندارد، ولی برخی کشورها سال‌هاست چنین درسی را با عنوان مطالعات اجتماعی در دوره آموزش عمومی خود گنجانده‌اند (ملک‌عباسی، ۱۳۹۳: ۵۰).

دانش مطالعات اجتماعی علاوه بر ارائه یک سلسله اطلاعات و حقایق درباره محیط زندگی انسان‌ها و پدیده‌های واقع در آن و همچنین مناسبات مختلف انسانی، می‌تواند به فهم حوادث مختلف اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، فرآیندهای علمی و سیاسی، ارتباط فضایی پدیده‌ها و برنامه‌ریزی‌های صحیح کمک کند. بعلاوه دانش آموزان را برای کسب مهارت‌های تصمیم‌گیری و برخورد صحیح با محیط آماده و آشنا سازد. ارضای حس کنجکاوی، شکل‌گیری رفتارهای عاقلانه در برنامه‌ریزی‌ها، تقویت تفاهم‌های داخلی و بین‌المللی و به طور خلاصه تربیت شهروند آگاه، مسئول و متعهد از جمله اهداف کلی آموزش مطالعات اجتماعی محسوب می‌شود.

محتوای این درس از تاریخ، جغرافیا و دیگر علوم اجتماعی استخراج می‌شود؛ بنا به نگرش‌های مختلف، مطالعات اجتماعی:

- برنامه‌ای است که جنبه‌های اساسی میراث فرهنگی را انتقال می‌دهد (موضوع مدار)؛
- برنامه‌ای است که بر محتوا و روش‌های مطالعاتی برگرفته از تاریخ، علوم اجتماعی و برخی رشته‌های علمی دیگر مبتنی است (موضوع مدار)؛
- برنامه‌ای است که مهارت تفکر و تصمیم‌گیری در مواجهه با مسائل اجتماعی را آموزش می‌دهد (جامعه مدار)؛

- توانایی دانش‌آموزان را برای مشارکت در فعالیت‌های گروهی تقویت می‌کند (دانش‌آموز مدار) (با اقتباس از ملکی، ۱۳۷۴: ۲).

با توجه به پیچیدگی چالش‌های امروزی در جهان، آموزش مطالعات اجتماعی باید مبتنی بر رویکرد سیستمی باشد که به فراگیران اجازه می‌دهد تا ارتباطات و تعاملات بین عناصر تشکیل دهنده در ایجاد یک وضعیت مشخص را به تدریج درک کنند (وارچر، ۲۰۰۸). به نظر می‌رسد این رویکرد، به خاطر آماده ساختن فراگیران برای درک پیچیدگی‌های جهان امیدوار کننده‌تر و کارآمدتر باشد. از این رو، دانش مطالعات اجتماعی که در مدارس تدریس می‌شود، نه تنها می‌تواند شامل دانش یا حقایق تلقی شود، بلکه باید شامل مهارت‌های عملی و میان‌رشته‌ای نیز باشد که همه آنها به شکلی سیستماتیک سازماندهی می‌شوند. یک مثال برای این رویکرد سیستمی در شکل زیر آمده است:



یافته‌های تحقیق

اهداف آموزش مطالعات اجتماعی بر اساس سند تحول و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

منظور از اهداف را می‌توان شایستگی‌های فردی و جمعی عنوان کرد که جهت درک و اصلاح موقعیت خویش و دیگران لازم هستند و بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی بر حسب شرایط مختلف مربی و متربی و مقتضیات زمان و مکان کسب می‌گردند.

در برنامه درسی ملی حوزه‌های یادگیری در محورهای ضرورت و کارکرد حوزه، قلمرو حوزه، جهت‌گیری‌های کلی در سازمان‌دهی محتوا و آموزش حوزه، ارتباط با یادگیری‌های مشترک و سایر حوزه‌های یادگیری مطرح می‌شوند. به طور کلی در این زمینه، مسائل اجتماعی در سطح محلی، ملی، و جهانی بررسی می‌شوند تا از این طریق روحیه مذاکره، عدالت خواهی، انصاف و نوع دوستی پرورش یابد. از این رو، بر اساس سند تحول بنیادین و مبانی و اصول اعلام شده در آن، اهداف آموزش مطالعات اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت رسمی را می‌توان به شرح زیر عنوان نمود:

اهداف ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی: سند تحول اهداف این ساحت را پذیرش آزادانه

و آگاهانه دین اسلام، تلاش جهت ارتقای ابعاد معنوی وجودی، خودشناسی و مهارت‌های شخصی، کسب فضایل اخلاقی و رعایت اصول اخلاقی در زندگی روزمره عنوان می‌کند (سند تحول بنیادین در آ.پ، ۱۳۹۰: ۱۴۴). آموزش مطالعات اجتماعی با کمک به درک و گسترش فهم محیطی و وحدت و یکپارچگی عناصر و اجزای آن و تنوع محیطی به عنوان پاره‌ای از عظمت آفرینش خداوند، توانایی پرورش روحیه سپاسگزاری از مواهب الهی و احساس مسئولیت در برابر نعمت‌های او را دارد.

انسان‌ها بر حسب ویژگی‌های ذاتی خود تمایل دارند، محیط زندگی و پیرامون خود را بشناسند؛ به ارتباط بین پدیده‌ها پی ببرند و رفتار معقول و منطقی در برابر پدیده‌های مختلف برگزینند. چنانچه فرد (دانش-آموز) محیط طبیعی و انسانی پیرامون خود را خوب بشناسد و آن را جزئی از آفرینش خداوند بداند، بدون تردید ضمن ارتقای ابعاد معنوی، در تعاملات مختلف فردی و اجتماعی و همچنین با پدیده‌های طبیعی موجود در فضای جغرافیایی، قطعاً اصول اخلاقی را رعایت کرده، در مهارت‌های سرکش خود در بهره‌برداری از مواهب طبیعی تلاش خواهد کرد.

اهداف ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی: از منظر سند، بازشناسی، حفظ آداب و رسوم، هنجارها و ارزش‌های جامعه، در مناسب و موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه به منظور ساختن آینده‌ای روشن و تأثیرگذار بر آینده خود و جامعه در سطح ملی و جهانی، تعامل شایسته با نهاد دولت و نهادهای مدنی، بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی، تلاش برای ارتقای ابعاد مشترک هویتی و مشارکت جمعی مؤثر در حیات اجتماعی و سیاسی با رعایت اصول حق‌طلبی، کسب و حفظ استقلال و تعامل میان فرهنگی، جزء اهداف این ساحت محسوب می‌شوند.

آموزش مطالعات اجتماعی با شناخت و درک صحیحی که از مکان زندگی و ویژگی‌های آن به فرد ارایه می‌دهد، نوعی احساس تعلق و مسئولیت نسبت به مکان را برای او فراهم می‌آورد. افراد با شناختی که از فضای زندگی و کشور خود به دست می‌آورند، ضمن ایجاد تعاملات سازنده با محیط پیرامون (محلی و ملی) و محیط بین‌المللی، به وطن خود علاقه‌مند شده، با شکل‌گیری حس میهن‌دوستی روابط خود را با نهاد دولت و حکومت تنظیم و بهبود می‌بخشند و بر مبنای ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و نیازهای طبیعی و انسانی، روابط خود را با جهانیان تنظیم و برقرار می‌سازند.

اهداف ساحت تربیت زیستی و بدنی: سند تحول بنیادین در این ساحت این ویژگی‌ها را بیان می‌کند: درک ویژگی‌های زیستی خود و پاسخ‌گویی مسئولانه به نیازهای جسمی و روانی خویش، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، تلاش جهت حفظ و ارتقای سلامت جسمی و روانی خویش و دیگران، بصیرت نسبت به سبک زندگی و کوشش مداوم فردی و جمعی برای حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت بر اساس معیار اسلامی.

آموزش مطالعات اجتماعی با فراهم آوردن درک روابط انسان و محیط و ایجاد آگاهی از تأثیرات متقابل این دو، به افراد، نوع و میزان بهره‌برداری انسان از محیط زیست را خاطر نشان می‌سازد. زمانی که با آموزش مطالعات اجتماعی، افراد به منابع و استعدادهای موجود در فضای طبیعی آگاهی یابند، از پیشرفت فناوری و بهره‌برداری روزافزون و سودجویانه انسان از عوامل محیطی مطلع گردند و به روند تخریب و نابودی فضای جغرافیایی و محیط انسانی آگاه شوند، بدون تردید سعی خواهند کرد مناسبات خود را اصلاح و سبک زندگی خود را متناسب با تولیدات محیطی هماهنگ سازند. با کمک آموزش این رشته،

افراد علاوه بر سایر موارد ضروری در تربیت و پرورش قوای جسمانی و بدنی، با شناخت طبیعت موجود در فضای پیرامون مانند کوه، جنگل، دریا، رودخانه و ... ضمن شناخت ویژگی‌های هر کدام، از این عوامل محیطی در بهبود و تقویت قوای بدنی خود اعم از روحی و جسمی می‌تواند کمک بگیرد.

اهداف ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری: سند تحول اهداف این ساحت را در مواردی چون: درک معنا و هدف رویدادهای طبیعت و هستی، رمز گشایی از پدیده‌های آشکار و پنهان طبیعت و ابراز آن به زبان هنر، پرورش حواس و قدرت تخیل برای دریافت تجلیات حق در سراسر هستی، زیباسازی محیط زندگی و پیراستن آن از انواع زشتی‌های معنوی، اخلاقی و زیست محیطی و بهره‌گیری از قدرت تخیل خود در خلق آثار هنری با هدف حفظ و تعالی میراث (طبیعی) و هنری در سطح ملی و جهانی معرفی می‌کند (سند تحول بنیادین، پیشین: ۱۴۶).

پدیده‌های محیطی، یا طبیعی و مخلوق خداوند هستند (مانند ماه، خورشید، کوه، جنگل، دریا و ...) یا مصنوعی و ساخت دست انسان (مانند خانه، خیابان و جاده، مزارع، کارخانه، شهر و ...). این پدیده‌ها به طور یکنواخت و یک شکل بر روی سطح زمین گسترش نیافته‌اند. آموزش مطالعات اجتماعی با معرفی و درک صحیحی که از پدیده‌های مختلف طبیعی و انسانی به دست می‌دهد و با توجه به فطرت زیباگزینی انسان‌ها، فراگیران را ترغیب می‌کند ضمن تأمل در این همه پدیده‌ها همچون حرکت ماه و خورشید، رودخانه و ...، ضمن الهام گرفتن از این زیبایی‌ها در زندگی خود، با ساخت و ایجاد پدیده‌های هنری و زیبا به بهره‌برداری صحیح از فضای جغرافیایی اقدام کنند.

اهداف ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای: از نظر سند تحول، نظام تعلیم و تربیت می‌تواند و باید این توانمندی‌ها را برای افراد فراهم آورد: تدبیر امر معاش و زندگی اقتصادی با درک موقعیت اقتصادی خود و جامعه، تلاش برای بهبود پیوسته آن از طریق مشارکت سازنده در فعالیت‌های اقتصادی، مراعات قوانین و احکام معاملات و التزام به ارزش‌های اخلاقی، کسب شایستگی‌های لازم جهت تکوین و تعالی مداوم هویت حرفه‌ای و انتخاب آگاهانه شغلی مناسب با توانایی‌ها و علائق خود و تلاش فردی و جمعی برای تحقق غنا، کفاف، عمران، رشد و استقلال اقتصادی، پیشرفت ثروت ملی، شناسایی عوامل فقر و تلاش جهت مقابله با آنها در سطح ملی و جهانی در جهت تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن.

آموزش مطالعات اجتماعی با هدف بررسی روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر و با محیط، با علوم متعددی مرتبط است. یکی از این علوم، اقتصاد است. در این رشته ضمن شناخت توانمندی‌های مختلف محیط، به بهره‌برداری انسان در محیط‌های مختلف دریایی و خشکی، محیط‌های طبیعی و انسان ساخت، انواع تجارت، دسترسی‌ها و فعالیت‌های مختلفی که به بهره‌برداری از محیط می‌پردازد، توجه می‌شود. از این رو، آموزش مطالعات اجتماعی، ضمن پاسخگویی به کنجکاوی انسان‌ها در خصوص توانمندی‌های محیط، با ارایه حقایق و داده‌های مورد نیاز، هم تفاوت‌ها و تشابهات محیطی را آموزش می‌دهد و هم شیوه‌های مختلف تعامل انسان و محیط را با شکل‌گیری نوع فعالیت اقتصادی متناسب با هر محیط در معرض اطلاع و نمایش قرار می‌دهد. بدون تردید آموزش مطالعات اجتماعی، با توانمندی‌های خود می‌تواند به شناسایی علل فقر، چگونگی مقابله با آن و راهکارهای تلاش افراد جهت عمران، آبادی و استقلال اقتصادی کمک نماید.

اهداف ساحت تربیت علمی و فناوری: در سند تحول بنیادین، اهداف این ساحت اینگونه بیان شده است: شناخت و بهره‌گیری از نتایج تجارب مترکم بشری در حوزه علم و فناوری، کسب مهارت دانش-افزایی، به کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی و داشتن تفکر انتقادی در مواجهه با مسائل زندگی، ایجاد خلاقیت و نوآوری در یافته‌های علمی و کشف صورت‌های جدید واقعیت یا خلق روش‌ها و ابزار نوین برای وصل به اهداف متعالی در چارچوب نظام معیار اسلامی، برنامه‌ریزی و اجرای آگاهانه فعالیت‌های علمی و پژوهشی برای دستیابی خود و جامعه به آینده‌ای مطلوب، برقراری ارتباط سازنده با طبیعت از طریق شناخت و استفاده از آن، درک و تفسیر پدیده‌ها و رویدادهای طبیعی در جهت رمزگشایی از آن‌ها به منزله مخلوقات و آیات الهی (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

موضوعات و مشکلات عمده طبیعی و انسانی که جهان امروز با آن مواجه شده است، به نوعی ریشه در تعاملات انسان‌ها دارند. مخاطرات طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان‌ها و ...، حوادث انسانی مانند: حرکات جمعیتی، مهاجرت، گرسنگی، بیکاری، انقراض گیاهان و جانوران، بیابان‌زایی، تغییرات آب و هوایی تا زراع و جنگ‌های مختلف از جمله چالش‌های بشر امروزمین هستند.

تجارب علمی بشر، شیوه تفکر منطقی، فعالیت‌های علمی و پژوهشی در حوزه دانش مطالعات اجتماعی می‌تواند به شناخت صحیح محیط و برقراری تعامل با آن بینجامد. امروزه آموزش مطالعات اجتماعی با استفاده از ابزار مختلف سعی می‌کند، بشر را به وجود چالش‌ها و دشواری‌های موجود آگاه کند و زمینه‌های مقابله با چالش‌ها را با توسعه نظریه‌پردازی و افزایش «دانش مطالعات اجتماعی» به درک علمی، منطقی و صحیحی از ارتباط عناصر و پدیده‌های جغرافیایی فراهم آورد.

بنابراین آموزش مطالعات اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور، سعی دارد با در نظر گرفتن همه اسناد بالادستی از جمله «سند تحول بنیادین» دانش‌آموزان (متربیان) را در همه ساحت‌ها با مجموعه‌ای از شایستگی‌های فردی و جمعی جهت درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران، بر اساس معیارهای اسلامی توانمند سازد؛ آنگونه که راه را برای رسیدن به «حیات طیبه» و پیشرفت در همه ابعاد زندگی فردی و جمعی هموار سازد.

رویکرد و هدف اصلی برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران که با تأسی از مکتب فلسفی اسلامی شکل گرفته است، مبنی بر فطرت‌گرایی توحیدی و اهتمام به شکوفایی آن، سعی می‌کند درس مطالعات اجتماعی با توجه به رویکرد کلی برنامه زمینه‌های تربیت فردی و اجتماعی نوجوانان را فراهم آورد. از این رو، هدف غایی این درس در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور ما، تربیت افرادی مؤمن، مسئول، توانمند و آگاه در زندگی فردی و اجتماعی، پایبند به خالق و ارزش‌های دینی و علاقه‌مند به ایران و هویت فرهنگی - تمدنی آن است. ضمن آنکه این درس پیوند نزدیکی با مهارت‌های زندگی دارد.

نتیجه‌گیری

هر چند گستره مفهومی مطالعات اجتماعی به آغاز شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسان بر می‌گردد، اما مطالعات اجتماعی رشته و برنامه درسی نسبتاً جدیدی است که در اغلب نظام‌های آموزشی دنیا مطرح شده است. امروزه، اهداف اصلی «آموزش مطالعات اجتماعی» را می‌توان ایجاد توانایی‌هایی چون: شناخت و درک و فهم دانش اجتماعی (مفاهیم و اصول)، مهارت‌های تعامل، تفکر در گذشته و حوادث تاریخی، پدیده‌های جغرافیایی و قدرت تفکر و ایجاد نگرش‌ها و ارزش‌های منطقی در دانش‌آموزان عنوان کرد، تا بتوانند به عنوان شهروندانی آگاه و مسئول به شناخت جامعی از محیطی که در آن زندگی

می‌کنند و ارائه روش‌های حفاظت و بهره‌برداری منطقی از آن دست یابند. همچنین در ارتباطی صحیح و مناسب، ابعاد و حوزه‌های مختلف با هم‌نوعان خود بتوانند زمینه‌های بقا، رشد و تکامل خود را فراهم آورند. در مطالعات اجتماعی در حوزه آموزش و پرورش، دانش‌آموز (خروجی) در نهایت باید بتواند از جهان خاص خود خارج شود، موقعیت خود را نسبت به گذشته، حال و آینده بسنجد و زمینه‌های تغییر رشد‌آمیزی را در افکار و رفتارهای خود ایجاد کند. با توجه به اهمیت آموزش مطالعات و نقش آن در تربیت و آموزش شهروندان آگاه، مسئول و متعهد، شناخت بهتری از پدیده‌های محیطی و تعاملات انسان‌ها با یکدیگر و با محیط را فراهم می‌آورد که با تقویت روحیه پرسشگری در مسائل محیطی، در نهایت شناخت دقیق پدیده‌ها و احترام به مخلوقات تا شناخت خالق و شکرگزاری از خالق یکتا را موجب خواهد شد. بنابراین شناخت و آگاهی از اهداف برنامه درسی آموزش مطالعات اجتماعی و کاربرد آن در زندگی روزمره، تأثیر شگرفی بر دانش‌آموزان خواهد داشت که می‌تواند در شناخت دقیق محیط، مفاهیم آن و پرورش مهارت برخورد صحیح انسان‌ها با یکدیگر و با محیط، آنان را یاری کند تا به حل مسائل مختلفی که انسان‌ها در عصر حاضر با آن مواجه شده‌اند و اکثریت آنان ناشی از شناخت نادرست مسائل انسانی، اجتماعی و محیطی است، نایل آیند.

با توجه به اینکه مکاتب و اندیشه‌های فکری مختلفی که به دلایل متعدد در اقصی نقاط جهان شکل گرفته‌اند، هر کدام برای امور گوناگون از جمله در حوزه علوم انسانی و تجربی، رویکردها و گرایش‌های خاصی را قائل هستند و اداره موفق امور را تنها از طریق پیروی از این امور میسر می‌دانند. از این رو و به دلیل آنکه هر مکتب فکری و فلسفی، معیارهایی مشمول نظام علمی، اخلاقی و ارزشی خاص خود را دارند، در امر تعلیم و تربیت نیز به گونه‌های متفاوتی با محتوا برخورد کرده‌اند و آن را در مطالعات و مبانی علمی خود از جمله در دانش مطالعات اجتماعی جای داده‌اند.

بنابراین چنانچه اساسی‌ترین موضوعات معرفتی و اجتماعی را انسان‌شناسی، جهان‌شناسی و ارزش‌شناسی تعریف کنیم، هر فلسفه و مکتب فکری برداشت خاصی از این موضوعات خواهد داشت و دسترسی به آن را از طریق محتوای مورد نظر دنبال خواهد کرد. بنابراین دانش آموزش مطالعات اجتماعی نیز از این امر مستثنی نبوده و در مکاتب مختلف، زمینه‌های دستیابی به اساسی‌ترین موضوعات معرفت بشری متفاوت خواهد بود. در جمهوری اسلامی ایران این مهم در قالب سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و در شش ساحت تعریف و مشخص شده است.

منابع

- قرآن کریم
- جمشیدی، سیدمحمد رضا (۱۳۶۸)؛ *ارزش و ارزش شناسی*. دو فصلنامه فرهنگ. بهار و پاییز، ش ۵ و ۴.
- حسینی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۹)؛ *تعلیم و تربیت اسلامی: مبانی و اصول*. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خرم آبادی یداله و سکینه ملکی (۱۳۹۴)؛ *ارزش شناسی و تأثیر تربیتی آن*، از دیدگاه شهید مطهری. فصلنامه پژوهش در تعلیم و تربیت. سال اول شماره دوم
- دائی زاده، حسین، دائی زاده امین و ایمان رضائیان (۱۳۹۴)؛ *مبانی آموزش مطالعات اجتماعی*. انتشار در سایت www.Moallemkade.ir
- شریعتمداری، علی (۱۳۹۳)؛ *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شمشیری، بابک و محمد جوادی نیکو (۱۳۹۱)؛ *نقد و بررسی مفهوم بردازی ارزش از منظر پراگماتیسم دیوبندی و دلالت های تربیتی آن*. فصلنامه علمی ترویجی معرفت سال بیست و یکم - شماره ۱۷۹ - آبان.
- طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸)؛ *اطیب البیان فی تفسیر قرآن*. تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ج ۱/.
- عابدی، زهره (۱۳۹۳)؛ *آموزش مطالعات اجتماعی در جمهوری خلق چین و کره جنوبی*. فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۳۷.
- فرهانیان مقدم، مسعود (۱۳۸۸)؛ *مطالعات اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت*. فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی دوره سیزدهم شماره ۱ پاییز.
- فلاحیان، ناهید و همکاران (۱۳۹۱)؛ *آموزش مطالعات اجتماعی*. تهران، مرکز چاپ و نشر کتب درسی وزارت آموزش و پرورش، چاپ دوم.
- کرمعلیان، حسن و سیدعلی اکبر حسینی (۱۳۹۳)؛ *عناصر تربیتی انسان طبیعی و آرمانی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی*. فصلنامه اندیشه دینی، دانشگاه شیراز. تابستان. صفحه ۶۱ تا ۷۶.
- معافی، محمود و حسن ملکی (۱۳۷۵)؛ *گزارش تحقیقاتی چگونگی تلفیق برنامه های تاریخ، جغرافیا و تعلیمات اجتماعی و ارائه اصول و روش های مناسب در این خصوص*. مرکز منابع دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی.
- ملکی، حسن (۱۳۷۴)؛ *سازماندهی محتوای برنامه درسی، با تأکید بر مطالعات اجتماعی*. تهران، نشر قو.

- ۱۰۰ فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی
-
- ملک‌عباسی، منصور (۱۳۹۳)؛ «مطالعات اجتماعی چیست؟». مصاحبه در رشد آموزش علوم اجتماعی. دوره ۱۶. شماره ۴.
 - راهنمای برنامه درسی مطالعات اجتماعی برای دوره آموزش عمومی (ابتدایی و راهنمایی) (۱۳۸۸)؛ گروه مطالعات اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
 - مسلمی‌پور، پری و نسرین نیکدل (۱۳۹۵)؛ تربیت سیاسی در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی. فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی دوره نوزدهم، زمستان.
 - سلیقه‌دار، سکینه (۱۳۹۷)؛ محورهای ارزشیابی کارآمد و متنوع با تأکید بر درس تاریخ. فصلنامه رشد آموزش تاریخ شماره ۷۰.
 - فصلنامه‌های رشد آموزش جغرافیا به نشانی:
 - <https://www.roshdmag.ir/fa/roshdmagazines/takhasosifaslnameh/humanities/geographyroshd>.
 - فصلنامه‌های رشد آموزش علوم اجتماعی به نشانی:
 - <https://www.roshdmag.ir/fa/roshdmagazines/takhasosifaslnameh/humanities/socialsciences>.
 - فصلنامه‌های رشد آموزش تاریخ به نشانی:
 - <https://www.roshdmag.ir/fa/roshdmagazines/takhasosifaslnameh/humanities/historicroshd>.
 - سایت گروه درسی مطالعات اجتماعی به نشانی: <http://socialstudies-dept.talif.sch.ir>
 - David Lambert & John Morgan (2010); Teaching Geography A conceptual Approach. Rutledge, London.
 - Rod Gerber(2015); GEOGRAPHICAL EDUCATION. *Encyclopedia of Life Support Systems* (EOLSS. Vol 1.
 - Reinfried, Sibylle & Philippe Hertig (2012); GEOGRAPHICAL EDUCATION: HOW HUMAN- ENVIRONMENT-SOCIETY PROCESSES WORK. *Encyclopedia of Life Support Systems*(EOLSS).
 - Hertig, P. (2009). Les sciences Humaines et sociales à l'école: un défi majeur pour l'intelligibilité du Monde. *Prismes*, 11, 5-9.
 - Phillips .s.h. (1998), "Axiology Encyclopedia of Philosophy". (ed) carage .E. Routledge, London.